ج) وجوب خط امالئی بخاطر سهولت فهم الفاظ قرآن

قول سوم چیست؟ قول سوم این است که خط امالئی مانعی ندارد. قرآن را می‌توان نوشت و بلکه عده‌ای می‌گویند باید به این صورت نوشت. آن مصری گفته مگر قرآن رمل است؟! می‌دانید در مقابل چه چیزی این حرف را زده؟ اینکه می‌گوید مگر قرآن رمل و اسطرلاب و طلسم است، به این خاطر است که عده‌ای می‌گویند صحابه تعمد داشتند مصحف را طوری بنویسند که حتماً محتاج مقری باشند. یعنی هر کسی خودش مصحف را دست گرفت تا بخواند از عهده آن برنیاید. خُب اینها می‌گویند خداوند قرآن را برای هدایت فرستاده! می‌گویند می‌خواستند نصاری دخالت نکنند و ... .

نقد استدلال قائلین به جواز رسم امالئی

خُب وقتی قرآن نیاز به مقری دارد حتماً رمز و اسطرلاب می‌شود؟! این چه حرفی است؟! اتفاقا اگر غرض این بوده غرض بسیار حکیمانه ای است. همین کار را هم مسلمین کرده‌اند.

شاگرد: در کفایه الاصول هم می‌گویند کتاب درسی باید طوری باشد که حتماً با استاد خوانده شود.

استاد: در اقراء می‌خواستند سلسله سند داشته باشند. اما استاد می‌خواهد توضیح بدهد. عبارت مبهم است و آن را توضیح می‌دهد. ابهام یک متن که محتاج به استادی است که توضیح بدهد خیلی تفاوت می‌کند با ابهام یک رسم و یک خط، تا سندی که شنیده القاء کند. یعنی بگوید تا نشنیده باشی فایده‌ای ندارد. مسلمانان کتاب خداوند را تنها به مطالعه و وجاده حفظ نکرده‌اند. مسلمانان کتاب خدا را با خط و وجاده و مطالعه حفظ نکرده‌اند. بلکه با ترکیبی از رسم و مقری و سند آن را حفظ کرده‌اند. اینکه مطلب خیلی خوب و متینی است. درا‌ین‌صورت قرآن که رمل و اسطرلاب نمی‌شود. الآن هم همینطور است. الآن هم اگر کسی بخواهد به همین صورت بخواند نمی‌تواند از عهده آن ببیاید.

شاگرد: شاهد تاریخی هم دارد؟ یعنی واقعاً به این خاطر بوده که مصحف را به این صورت می‌نوشتند؟

استاد: من ابتدا از چند کتاب اصیل می‌گویم. شما هم عباراتی را در مقابل این حرف ببینید. در النشر ابن جزری آمده. قبلاً از ابوعبید گفتم. ابوعبید در دویست و خورده‌ای وفات کرده. ابن جزری هم که در قرن نهم است و در سال هشتصد و سی و سه وفات کرده است. من سه عبارت را سریع عرض می‌کنم، بعداً خودتان مفصل تر نگاه کنید. یکی عبارتی است که در اوائل کتاب است. می‌گوید قرائتی که معتبر است باید موافق با رسم کتاب خدا باشد. بعد می‌گوید من که موافقت می‌گویم، «یکفی الموافقة ما یحتمله». بعد می‌گوید: «قلت فانظر کیف کتب»؛ می‌گوید اینها

تعمد داشتند طوری بنویسند که قرائات محفوظ بماند. این در جلد اول، صفحه یازده است. می‌گوید چون توسط جبرئیل هم «سراط» و هم «صراط» اقراء شده بود. الآن هم در عروه می‌گویند «یجوز ان یقرأ الصراط، بالسین و الصاد». یشان می‌گوید صحابه ای که اینطور نوشته‌اند، دیده‌اند اگر آن را با سین بنویسند لغت عرب است. شما هر قاموسی را باز کنید می‌بینید «صراط» با «ص» ندارید. بلکه در لغت عرب «صراط» با «سین» است. اگر آنها با «سین» می‌نوشتند، قرائت با «سین» جا می‌گرفت و قرائت با «ص» از بین می‌رفت. لذا بر خلاف قاموس های لغت «صراط» را با «ص» نوشتند تا از طرفی عده‌ای با لغت عرب با سین می‌خوانند و مشکلی ندارد، اما کسانی که با «ص» می‌خوانند هم با رسم موافق باشند. این حرف او است. مثال‌های دیگری هم می‌زند: مانند «بصطة». می‌گوید در برخی از جاها آن را با «سین» نوشتند، چون قرائت «صاد» ندارد. اما در جای دیگری هم قرائت حضرت با «صاد» بود و هم با «سین» بود. چون عرب خودشان می‌دانستند که «بصطة» با «سین» است، آن جا را با لعنایة با «ص» نوشتند، تا قرائت «صاد» بماند و قرائت «سین» هم که عرب خودش می‌خواند.

در صفحه سی و دو، می‌فرمایند:

> وإنّما أخْلوا المَصاحِفَ مِنَ النُّقَطِ والشَّكْلِ لِتَكُونَ دالَةً الخَطِّ الواحِدِ عَلَى كُلِّ اللَّفْظَيْنِ المَنْقُولَيْنِ المَسْمُوعَيْنِ المُتَلَوَّيْنِ شَبِيهَةً بِدَالَةِ اللَّفْظِ الواحِدِ عَلَى كُلِّ المَعْنَيَيْنِ المَعْقُولَيْنِ المَفْهُومَيْنِ[1]

در جلسه قبل خواندم «کل القرائتین حق»، این هم دقیقاً همان است. می‌گوید صحابه چه کار کردند؟ همان قولی که به‌عنوان احتمال چهارم می‌خواهم بگویم. مورد دیگر در صفحه پنجاه و دو است. می‌گوید: «فإنّ اخْتِلافَ القُرّاءِ كُلٌّ حَقٌّ وَصَوابٌ نَزَلَ مِنْ عِنْدِ اللّهِ وَهُوَ كَلامُهُ لا شَكَّ فيهِ».

این را برای چه گفتم؟ برای اینکه ابن جزری مثل سائرین می‌گوید؛ سه قول بود. من می‌خواهم چهارمی را عرض کنم. با دو سؤال که برای هفته بعدی روی آن تحقیق کنید.

---

[1] النشر في القراءات العشر نویسنده : ابن الجزري جلد : ۱ صفحه : ۳۳

بازبینی #2
ایجاد شده 12 ژوئن 2024 11:36:50 توسط ... .
به روزرسانی شده 20 ژوئن 2024 12:59:44 توسط ... .